

برآورد راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سال‌نمای ۱۳۸۹
چشم‌انداز ۱۳۹۰

بعد اقتصادی امنیت ملی



شاخص‌های اقتصادی

مقدمه

سنجش شاخص‌هایی چون نرخ رشد اقتصادی، صادرات و واردات، حجم ذخایر ارزی، میزان بیکاری، نرخ تورم، رشد نقدینگی، آزادی اقتصادی، فضای کسب و کار و تراز جاری و مالی و همچنین نقش سیاست‌های پولی و ملی می‌تواند تصویر دقیقی از حوزه‌های مختلف اقتصادی ترسیم نماید. بخش‌های مختلف اقتصادی، ارتباط مستمر و پویایی با یکدیگر دارند و از این‌رو، هر گونه تغییر در یکی، نشان‌دهنده تغییر در شاخص دیگر است. بنابراین، هماهنگی میان ارقام و اعداد مربوط به این شاخص‌ها نشان از صحت اندازه‌گیری و عملکرد مناسب اقتصاد است. با توجه به اینکه این شاخص‌ها نشان از نحوه عملکرد اقتصادی دارند، هر گونه نوسان مطلوب یا نامطلوب در آنها می‌تواند بیانگر بهبود یا وخیم‌شدن شرایط اقتصادی و یا کاهش و افزایش ضریب امنیت اقتصاد ملی باشد.

در این برآورد سعی بر این است که وضعیت این شاخص‌ها در سال ۱۳۸۹ و نوسان و نسبت آنها نسبت به سال ۱۳۸۸ ارزیابی گردد. با توجه به اینکه آمار و ارقام مورد نیاز از سوی بانک مرکزی منتشر نشده است، از برخی منابع تخصصی غیررسمی داخلی و خارجی و بر اساس سال میلادی استفاده شده است.

رشد اقتصادی و ذخائر ارزی

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۰ را یک و نیم درصد و در کشورهای در حال توسعه، ۶ درصد اعلام کرده است. نرخ رشد اقتصاد ایران

برای سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، ۳ درصد اعلام شده است. میانگین رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه، در سال ۲۰۱۰، ۳/۳ درصد و در سال ۲۰۱۱، ۳/۴ درصد پیش‌بینی شده است. صندوق بین‌المللی پول نیز متوسط رشد اقتصادی ۴۰ کشور خاورمیانه و آسیای مرکزی را در سال ۲۰۱۰، برابر با ۴/۲ درصد و رشد اقتصادی ایران را ۱/۶ درصد اعلام کرده است. همچنین، بر اساس گزارش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، وضعیت برخی شاخص‌های مهم اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۰ به این صورت اعلام شده است: ذخایر ارزی ایران در پایان سال ۲۰۱۰ میلادی، ۷۵/۰۶ میلیارد دلار برآورد شده که نسبت به سال قبل، ۶ میلیارد دلار کاهش داشته است. در سال ۲۰۰۹، حجم ذخایر ارزی ایران بالغ بر ۸۱/۳۱ میلیارد دلار بود. میزان تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس قدرت خرید داخلی در سال ۲۰۱۰، ۸۶۳/۵ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۰۹، ۸۳۸ میلیارد دلار اعلام شده بود. بر مبنای این شاخص، ایران هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا در سال ۲۰۱۰ شناخته شده است، اما صندوق بین‌المللی پول، حجم تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۲۰۰۹، بالغ بر ۳۲۵/۹ میلیارد دلار اعلام کرد. این رقم در سال ۲۰۱۰، ۱۲ میلیارد دلار افزایش یافت. سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۰ با ۲۰۰ دلار افزایش، از ۱۱ هزار دلار در سال ۲۰۰۹ به ۱۱۲۰۰ دلار می‌رسد. ایران از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی، رتبه ۱۰۰ جهان را دارد. این سازمان، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۰ را ۳ درصد پیش‌بینی کرده است.

میانگین رشد اقتصادی
در کشورهای خاورمیانه،
در سال ۲۰۱۰، ۳/۳
درصد و در سال ۲۰۱۱،
۳/۴ درصد پیش‌بینی
شده است

نرخ بیکاری:

بر اساس گزارش منابع خارجی، نرخ بیکاری ایران از ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۸، به ۱۴/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. مرکز آمار نیز با تأیید افزایش نرخ بیکاری به ۱۴/۶ درصد در بهار امسال، از تداوم رشد نرخ بیکاری خبر داد، اما چند روز پس از آن، وزیر کار و امور اجتماعی در چند اظهار نظر جداگانه نسبت به نرخ بیکاری اعلام‌شده از سوی مرکز آمار ایران ابراز تردید کرد.

تورم و نقدینگی:

نرخ تورم ایران روندی کاهشی را در سال ۲۰۱۰ داشته و از ۱۳/۵ درصد به ۱۱/۸ درصد رسیده است. ایران رتبه ۲۰۷ جهان را از نظر تورم در سال ۲۰۱۰ کسب کرده است. نقدینگی در ایران افزایش داشته و در پایان سال ۲۰۱۰ به ۱۶۷/۴ میلیارد دلار رسیده است. حجم کل نقدینگی در سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۱۴۷/۲ میلیارد دلار بوده است که بدین ترتیب، حدود ۲۰ میلیارد دلار افزایش داشته است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، سیاست مهار رشد نقدینگی در ایران همچنان ادامه خواهد یافت. در سال ۲۰۱۰، رشد نقدینگی برای اولین بار تک‌رقمی شده و به ۹ درصد رسید. متوسط رشد نقدینگی در منطقه به ۱۰/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید. این در

حالی است که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تزریق بیش از ۵۰ هزار میلیارد ریال یارانه‌ها، نقدینگی ۳۴ هزار میلیارد رشد و به ۲۶۷ هزار میلیارد تومان رسیده است.

تولید و صادرات نفت:

تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۰ تغییری نسبت به سال قبل از آن نداشت و در سطح ۳/۷ میلیون بشکه در روز باقی ماند. ایران در سال گذشته میلادی به طور متوسط ۲/۱ میلیون بشکه در روز نفت خام صادر کرد و پیش‌بینی شده این رقم در سال جاری در سطح ۲/۱ میلیون بشکه در روز باقی بماند.

صادرات و واردات، تراز جاری و مالی:

صادرات ایران از ۶۹/۰۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹، به ۷۸/۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته و واردات نیز بدون تغییر نسبت به سال قبل در سطح ۵۸/۹۷ میلیارد دلار باقی مانده است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۲۰۰۹ نزدیک به ۸۷/۱ میلیارد دلار کالا صادر کرده است. در سال ۲۰۱۰، حدود ۹۵ میلیارد دلار کالا از ایران به بازارهای جهانی صادر شد. دیون خارجی ایران نیز بالغ بر ۲۱۰ میلیون دلار افزایش داشته و از ۱۲/۶۳ میلیارد دلار به ۱۲/۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. طی سال ۱۳۹۰، بدهی کشور ۱۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار خواهد شد. تراز حساب‌های جاری ایران در سال ۲۰۱۰، افزایش قابل توجه ۵ برابری نسبت به سال ۲۰۰۹ داشته است. در سال ۲۰۰۹، رقم تراز جاری ایران بالغ بر ۱/۹۱۳ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال بعد به رقم ۹/۷۶ میلیارد دلار افزایش یافته و رتبه ایران در سطح جهان به ۲۳ ارتقا یافته است. بانک جهانی پیش‌بینی کرده که تراز حساب‌های جاری ایران در سال ۲۰۱۱ نیز با افزایش مواجه شود و از ۶/۱ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۰ به ۶/۷ درصد در سال ۲۰۱۱ برسد. ایران از این نظر چهارمین رتبه را در میان ۴۰ کشور خاورمیانه و آسیای مرکزی دارد. با توجه به افزایش قیمت نفت، تراز مالی دولت ایران طی سال ۲۰۱۱، بهبود خواهد یافت.

نرخ تورم ایران روندی کاهشی را در سال ۲۰۱۰ داشته و از ۱۳/۵ درصد به ۱۱/۸ درصد رسیده است

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

بر اساس گزارش‌ها، ایران از نظر میزان جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی، رتبه ۷۲ جهان را به خود اختصاص داده است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایران نیز در خارج، از ۱/۸۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به ۲/۰۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. ایران از این نظر رتبه ۶۷ جهان را کسب کرده است. بانک جهانی، در سال ۲۰۱۱ در گزارش موسوم به دورنمای اقتصادهای جهان، میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در ایران، طی سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲/۹ میلیارد دلار اعلام کرده که این رقم در سال ۲۰۰۹، بالغ بر ۳/۰۱۶ میلیارد دلار بوده است.

شاخص آزادی اقتصادی:

در سال ۲۰۱۰، ایران در رتبه‌بندی شاخص آزادی اقتصادی، در میان ۱۷۹ کشور، رتبه ۱۶۸ را کسب نمود. ایران در دسته‌بندی کشورها، به عنوان کشوری دارای اقتصاد غیرآزاد یا بسته معرفی شده است. تنها یازده کشور از لحاظ آزادی اقتصاد، وضعیتی بدتر از ایران دارند. برخی از این کشورها عبارتند از جمهوری کنگو، ترکمنستان، کوبا، ونزوئلا، زیمبابوه و کره شمالی.

فضای کسب و کار:

در گزارش سال ۲۰۱۰ بانک جهانی، امتیاز ایران در شاخص کل فضای کسب و کار، حدود ۷۰ از ۱۰۰ است. دریافت مجوزهای مربوطه برای شروع کسب و کار در ایران، ۳۲۲ روز است که در مقایسه با رقم ۲۱۸ روز میانگین جهانی، رقم بالایی است. محدودیت‌های متعددی که کسب مجوز برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌نماید، از عوامل مؤثری بوده که امتیاز ایران را در این شاخص پایین آورده است. مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی مؤسسات مالی در تعیین نحوه تأمین اعتبار، از عوامل مؤثر بر شاخص مالی است. همچنین، یکی از شاخص‌های مؤثر بر رتبه ایران فساد است که رتبه ایران در این شاخص فرعی، در بین ۱۷۹ کشور دنیا، ۱۴۴ بوده و هم‌پای کشورهای چین، فیلیپین، یمن و بنگلادش است.

در این سال برای راه‌اندازی کسب و کار در ایران به طور متوسط باید ۷ مرحله طی شود. ۹ روز زمان صرف شده و معادل ۳/۹ درصد از درآمد سرانه، هزینه شود. به منظور دریافت مجوزهای لازم برای هر فعالیت می‌باید ۱۷ مرحله سپری شود. ثبت اموال نیازمند گذر از ۹ مرحله است و به اجرا درآوردن قراردادها، مستلزم عبور از ۳۹ مرحله می‌باشد. اگرچه رتبه ایران، در زمینه شروع کسب و کار، سهولت انجام کسب و کار، اخذ مجوزهای ساخت و اجرای قراردادها بهبود یافته، اما در خصوص استخدام نیروی کار و تعطیلی کسب و کار رتبه کشور بدون تغییر باقی‌مانده و البته، در مورد ثبت اموال، اخذ اعتبارات، حمایت قضایی از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات و تجارت فرامرزی، این رتبه تنزل یافته است. تازه‌ترین گزارش بانک جهانی از مقایسه فضای کسب و کار در ۱۸۳ کشور دنیا، نشان می‌دهد رتبه ایران از حیث سهولت کسب و کار، از ۱۳۷ در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۱۲۹ در سال ۲۰۱۱ میلادی بهبود می‌یابد.

شاخص رقابت‌پذیری:

برای نخستین بار، مجمع جهانی اقتصاد، اقدام به ارزیابی اقتصادی ایران از حیث شاخص رقابت‌پذیری کرده است. با ابداع و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، ایران در رده ۶۹ قرار گرفته است. ایران در میان ۱۳ کشور خاورمیانه در رتبه ۱۰ قرار دارد و تنها ۳ کشور مصر، لبنان و سوریه وضعیت بدتری نسبت به ایران در منطقه دارند.

با اجرای قانون هدفمندی
یارانه‌ها و تزریق بیش
از ۵۰ هزار میلیارد ریال
یارانه‌ها، نقدینگی ۳۴
هزار میلیارد رشد و به
۲۶۷ هزار میلیارد تومان
رسیده است

ضریب جینی:

بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی، ضریب جینی در کشور در سال جاری به حدود ۳/۳۸ رسیده است که پایین‌ترین رقم طی سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی است. ایران در میان ۱۴۶ کشور، از نظر میزان ضریب جینی در رتبه ۶۳ قرار گرفته است.

شاخص‌های پولی و مالی:

میزان منابع بانکی موجود در آبان‌ماه سال ۱۳۸۹، ۲ هزار و ۸۸۰ هزار میلیارد ریال اعلام شد که پس از کسر سپرده قانونی به ۲ هزار و ۵۴۰ هزار میلیارد ریال کاهش یافت و ۲ هزار و ۷۷۱ هزار میلیارد ریال تسهیلات از این منابع پرداخت شده است. رشد میزان تسهیلات‌دهی بانک‌ها از دی ۸۸ تا سال جاری، ۲۱/۱ درصد بوده است. رشد سپرده و نقدینگی، ۴۵۶ هزار میلیارد ریال بوده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، تا پایان آبان ۸۹، بانک‌ها حدود ۱۰ درصد بیش از سپرده‌هایشان را تسهیلات پرداخت کرده‌اند. نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانک‌ها در شرایطی از ۱۱۰ درصد فراتر رفته که دستکم در یک ماه اخیر، هم وزیر اقتصاد و هم رئیسکل بانک مرکزی نسبت به تداوم وضعیت کنونی هشدار داده‌اند.

ضریب جینی در کشور در سال جاری به حدود ۳/۳۸ رسیده است که پایین‌ترین رقم طی سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی است

بازار و ارزش بورس کشور:

افزایش قیمت‌ها، مبادلات ارزشمند و بزرگ و تقسیم سود شرکت‌ها باعث شد ارزش بازار بورس به رکورد جدید ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. بورس اوراق بهادار با ارزش روز بیش از ۱۰۰ میلیارد دلاری، حائز رتبه سی‌ونهم در بین ۵۲ بورس دنیا شد که با رشد ۵۲ درصدی از جمله بورس‌های موفق دنیا می‌باشد.

ارزش طرح‌های عمرانی:

نشریه اقتصادی مید، ارزش کلی پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی مختلف در منطقه خلیج فارس را در سال ۲۰۱۰ رو به کاهش اعلام کرده است. ایران در پایان سال ۲۰۱۰ میلادی، از نظر حجم پروژه‌های برنامه‌ریزی شده و در دست اجرا، با ۳۱۶ میلیارد دلار، در رتبه چهارم منطقه قرار دارد. امارات با ۸۰۴ میلیارد دلار پروژه برنامه‌ریزی شده و در دست اجرا، در رتبه نخست منطقه قرار دارد و عربستان با ۶۶۸ میلیارد دلار، در رتبه دوم و عراق با ۳۴۹ میلیارد دلار، در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

چشم‌انداز ۱۳۹۰

نگاهی به وضعیت آماری برخی شاخص‌های کلان، بیانگر برخی آسیب‌های مهم در اقتصاد ملی است. کاهش رشد اقتصادی به زیر ۳ درصد و عدم اعلام آمار رسمی از طرف بانک مرکزی

در دو سال اخیر، به همراه رکود اقتصادی، تهدید جدی نسبت به امنیت اقتصادی کشور است. افزایش نرخ بیکاری به بالای ۱۴ درصد و بخصوص گسترش بیکاری فارغ التحصیلان، تهدید جدی دیگری است که از کاهش رشد اقتصادی ناشی می شود. عدم تأمین سالانه ۴۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی در صنعت نفت و گاز برای دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی، تهدید قابل توجهی برای اقتصاد ملی است. کاهش صادرات نفت و یا ثابت ماندن میزان تولید با نگاه به اهداف سند چشم انداز نیز تهدید جدی به شمار می رود.

رشد زیاد نقدینگی در سال های اخیر و سال ۸۹ به ۲۶۷ میلیارد دلار، یکی از آسیب های اقتصاد ملی است. جذب و هدایت این حجم نقدینگی به اقتصاد مولد و بورس، ظرفیت مناسبی می باشد. گسیل ناگهانی این حجم نقدینگی به بازار مسکن و طلا و ارز و تمایل به خروج از کشور در سال آتی می تواند به تهدید تبدیل شود. افزایش ارائه تسهیلات بانک ها نسبت به میزان سپرده ها در شرایط هدفمند کردن یارانه ها و اجرای بسته های حمایتی، شاید قابل اغماض باشد، ولی بی انضباطی مالی و ناتوانی دولت در کنترل نقدینگی، تهدید جدی برای بانک ها و ثبات اقتصادی محسوب می شود.

در مقابل، برخی شاخص های اقتصادی، چشم انداز امیدوار کننده ای را در اقتصاد کلان نشان می دهند. رشد مستمر شاخص های بورس و ارزش کل بازار بورس، یکی از فرصت های اقتصادی برای تغییر ساختاری در روندهای اقتصاد دولتی و سنتی کشور است. نگاه مثبت جامعه و بازار به آغاز طرح هدفمندی یارانه ها و تداوم ثبات فعلی و اعتماد جامعه و بازار به این طرح در سال آینده، می تواند نقطه عطفی در اصلاح ساختار اقتصادی و مدیریت بهینه منابع تلقی شود. کاهش ضریب جینی و کاهش نسبی شکاف طبقاتی با توجه به شرایط خاورمیانه فرصت قابل توجه اقتصادی و امنیتی برای کشور و نظام است.

در مجموع، براساس اطلاعات و عمدتاً غیررسمی، می توان گفت روند کلی اقتصاد ایران نسب به سال گذشته در برخی شاخص ها مانند نرخ تورم و ضریب جینی بهبود یافته است. البته، برخی صاحب نظران معتقدند کاهش نرخ تورم بیشتر ناشی از رکود و سیاست های انقباضی دولت می باشد. به اعتقاد این گروه، کاهش نرخ تورم ناشی از عملکرد ساختار اقتصادی در تمام بخش ها و کاهش هزینه تولید نبوده است. برخی نیز معتقدند نظارت دولت در جهت تنظیم بازار و کنترل قیمت و اصلاح شبکه توزیع و افزایش واردات و کاهش تعرفه گمرکی برخی محصولات، از عوامل مؤثر بر کاهش تورم بوده است. رشد اقتصادی در سال گذشته از اهداف سند چشم انداز (۸ درصد) فاصله زیادی دارد و در خوش بینانه ترین وضعیت در سال آینده، ممکن است به ۳ درصد برسد. تأثیر مستقیم کاهش رشد اقتصادی، کاهش رشد ضریب اشتغال نسبت به سال های گذشته می باشد. این امر در زمینه اشتغال فارغ التحصیلان، تهدید امنیتی محسوب می شود. اگرچه تراز پرداخت های تجارت خارجی مثبت شده، ولی این امر ناشی از عامل برونزا و غیرمولد در آمد نفت است که امنیتی ترین تهدید ساختار اقتصاد ایران می باشد.

کاهش رشد اقتصادی به زیر ۳ درصد و عدم اعلام آمار رسمی از طرف بانک مرکزی در دو سال اخیر، به همراه رکود اقتصادی، تهدید جدی نسبت به امنیت اقتصادی کشور است

فضای کسب و کار نسبت به سال‌های قبل، ۱۳ رتبه بهبود یافته، ولی تا رسیدن به حد مطلوب فاصله زیادی دارد. همچنین، میزان آزادی اقتصادی به خصوص در آزادی سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وضعیت چندان مطلوبی ندارد. عدم تحقق بخشی از سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری مورد نظر سند چشم‌انداز در چند سال اخیر در زیرساخت‌های استراتژیک برای رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی که ۶۰۰ میلیارد دلار آن باید از خارج تأمین شود، شرایط اقتصاد ملی را در رقابت با اقتصادهای در حال شکوفای منطقه‌ای در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. همچنین، با توجه به اینکه میزان تولید و صادرات نفت تقریباً ثابت بوده است و با توجه به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری اعراب و سرمایه‌گذاری گسترده در عراق، تداوم این روند می‌تواند موقعیت انرژی کشور را تهدید نماید.

راه کارها

با توجه به اهمیت تعیین‌کننده برخی شاخص‌ها، برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت شاخص‌هایی مانند آزادی اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار و رقابت‌پذیری اقتصادی باید در اولویت سیاست‌گذاری دولت قرار گیرد.

نظر به روند رو به رشد اقتصادهای غیردولتی در منطقه و نقش بخش خصوصی و شرکت‌های بزرگ در این بخش، ضروری است حرکت به سمت راهبرد تقویت اقتصاد غیردولتی هدف‌گذاری شود. در عین توجه به تقویت بخش خصوصی، با توجه به نیاز اهداف سند چشم‌انداز به حجم ۱۰۰۰ میلیاردی سرمایه خارجی و فنآوری‌های نوین، بایستی راهبرد کوتاه‌مدت و بلندمدت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع و بخش‌های زیرساختی تدوین گردد.

در زمینه معرفی بورس به جامعه داخلی و بین‌المللی و تشویق به سرمایه‌گذاری در این بخش، اطلاع‌رسانی چندانی صورت نگرفته است. این امر به برنامه و بسیج نظام رسانه‌ای و دستگاه‌های ذیربط نیاز دارد. برای بهبود شاخص‌های اقتصادی و بهبود تراز پرداخت با اقتصاد بدون نفت، محورهای هفت‌گانه طرح تحول باید به طور جدی پیگیری شود.

برنامه‌ریزی برای
بهبود وضعیت
شاخص‌هایی مانند
آزادی اقتصادی و
بهبود فضای کسب
و کار و رقابت‌پذیری
اقتصادی باید در اولویت
سیاست‌گذاری
دولت قرار گیرد